

## اقتصاد ویتنام\*

مترجم: قائم مقامی

اقتصاد ویتنام با ۳۰ سال جنگ - ابتدا علیه ژاپنیها، بعد بافرانسویها، سپس باکمک نیروهای آمریکایی علیه خود - از هم پاشیده بود. در سال ۱۹۷۸، درحالی که بروز نشانه‌های ضعیف از بهبود انتظار می‌رفت، سربازان ویتنامی کامبوج را اشغال کردند. بدین وسیله، امید دریافت هرگونه کمک از جهان غرب از دست رفت، و صورتحسابهای بیشتری برای دولت تقریباً "ورشکسته روی هم انباشته شد. اکنون، نشانه‌های اندکی از بهبود اقتصادی به چشم می‌خورد، اما حتی این پیشرفت ممکن است حامل نطفه نابودی خود باشد.

در مرحله‌ای که به دنبال مرحله متحدسازی پیش آمد، هدف دولت این بود که "مستقیماً" از جامعه‌ای با ویژگی تولید در مقیاس کوچک، با دور زدن مرحله توسعه سرمایه‌داری، به سمت سوسیالیسم پیشروی کند. رهبران ویتنام ابتدا برنامه‌ریزی مرکزی جدی را انتخاب کردند که موفقیتی نداشت. سپس، دولت خط مشی اقتصادی اندکی آزادانه‌تر پیش گرفت که براساس انگیزه‌ها استوار بود. نتیجه این یکی بهتر بود.

هدفهای اولین برنامه پنجساله دولت (۱۹۷۵ - ۱۹۸۰) به‌طور نوامیدکننده‌ای جاه طلبانه بود: درآمد ناخالص داخلی، کشاورزی، و صنعت می‌بایست به ترتیب، سالی ۱۵٪، ۱۰٪، و ۱۷٪ رشد می‌کرد؛ هر سه راکد ماند تولید سیمان و فولاد در پایان برنامه، دوسوم از هدف تعیین شده کمتر بود. تولید برنج نیز، در طول چهار سال تا سال ۱۹۷۹، ۱۳٪ کاهش یافت.

کشورهای کمک‌دهنده، کشتارها را نادیده گرفتند و در مورد تقاضای ویتنام برای صنعت سنگین، در منطقه‌ای که از قبل دارای قابل رقابت‌ترین صنایع سنگین جهان بود، به تعمق پرداختند. کارخانه ۲۵۰ میلیون دلاری چوب و کاغذ که با کمک سوئدیها در بایبانگ (Bai Bang) ساخته شده است، هنوز نمی‌تواند به اندازه کافی چوب تهیه کرده، و فقط با ۲۰٪ ظرفیت کار می‌کند.

جاه طلبیهای نظامی ویتنام نیز مشکلات اقتصادی را چند برابر کرده است. روی کاغذ، جنگ چریکی

\* Vietnam's Economy: Paying for peace when it comes. *The Economist*. Oct. 13, 1984. PP. 77-78.

در کامبوج، ارزان تمام می‌شود. صورت حساب دستمزد ۱۸۰۵۰۰۰ سربازی که در کامبوج مستقر هستند، فقط در حدود سالی ۱۰ میلیون دلار است و هزینه لباس و دارو نیز در همین حد است. خود سربازان، مثل یک میلیون سربازی که در داخل ویتنام هستند، بیشترین مقدار مواد غذایی مورد نیاز خود را به عمل می‌آورند.

هزینه واقعی اقتصاد، در وضع جنگ، خیلی بیشتر از این ارقام است. جنگ، مردان سالم و نیرومند را از مشاغل تولیدی جذب کرده و کشورهای را که شرکای بالقوه اقتصادی هستند، به دشمنان اقتصادی تبدیل می‌کند. در نتیجه اشغال کامبوج، کمک غرب به ارزش ۱۷۵ میلیون دلار لغو شد، و چین نیز از اجرای یک برنامه اجرایی پنج‌ساله که ارزشی معادل ۹۰۰ میلیون دلار داشت، چشم پوشید. اشغال کامبوج هرگونه امید به حفظ روابط سیاسی ایالات متحد را نیز از میان برداشت.

اختصاص تقریباً ۳۰٪ از تولید ناخالص ملی به امر دفاع، سطح زندگی را پایین نگه داشته است؛ در سال گذشته، براساس برآوردهای صندوق بین‌المللی پول، سرانه تولید ناخالص داخلی کشور تقریباً ۱۹۵ دلار بود که دو سوم سرانه تولید ناخالص داخلی در چین است. قبل از متحد سازی، درآمد سرانه ویتنام جنوبی و ویتنام شمالی به ترتیب در حدود ۲۵۰ و ۱۲۵ دلار در سال بود.

قسمت عمده‌ای از برنامه اقتصادی دولت، ادغام شمال و جنوب است. رهبران ویتنام امدوارده که بالاخره شمال، به دلیل دغال سنگ و نیروی برق آبی، مرکز صنعت سگین شده، و جنوب به قطبی صادراتی برای کالاهای کشاورزی و صنایع سبک کارخانه‌ای تبدیل شود. اما، سیستم ضعیف راه‌ها، راه‌آهن، و تلفن، این دو نیمه را جدا نگه داشته است. هنگامی که در سال ۱۹۷۵ سائگون به دست کمونیستهای ویتنام شمالی افتاد، کل تولیدات جنوب تقریباً "دو برابر نیمه شمالی کشور بود. اینک، ۹ سال پس از آن، هنوز در حدود ۸٪ از سرمایه در جنوب در دست بخش خصوصی است. در دلتای مکتوک، که پروتئندترین ربع اراضی زراعی کشور است، ۶۰٪ از منطقه کشاورزی به طور خصوصی اداره می‌شود. قانون اساسی سال ۱۹۸۰ تفاوت بین شمال و جنوب را به رسمیت می‌شناسد. در شمال فقط دو نوع تولید وجود دارد: دولتی و تعاونی؛ در جنوب سه نوع دیگر نیز هست: انفرادی، خصوصی و اشتراکی.

سالها طول خواهد کشید تا سدهای اقتصادی و فرهنگی بین دو نیمه این کشور فرو ریزد. یکی از نشانه‌هایی که دال بر شروع این فراگرد است این است که اکنون می‌توان در هانوی میوه‌هایی را دید که در مکتوک به عمل می‌آید. افراد آنها را، هر بار به تعداد کم، به هانوی حمل کرده، و در کافه‌ها می‌فروشند. شاید جنوب هم تأثیر خود بر ارزشهای شمال را آغاز کرده باشد، زیرا هم اکنون روزلب و غلوارهای چین در هانوی دیده می‌شود.

وضع نسبتاً "خوب جنوب، در مقایسه با شمال، رهبران ویتنام را با وضع دشواری روبه‌رو کرده است. برای بالا بردن سطح زندگی، باید کسب و کار آزاد را زنده نگه‌دارند؛ بنابراین به جای اینکه مانند استالین در اوایل ۱۹۳۰، متکران بخش خصوصی را اعدام کنند، دولت در سال ۱۹۷۹، خط مشی محتاطانه آزادسازی اقتصادی را پیش‌گرفت. کمیته مرکزی حزب کمونیست این اقدام را "جهت بخش‌نویین اقتصادی" می‌داند.

خواند. این خط مشی هنوز بسیار محتاطانه تر از اصلاحات آقای دنگ شیائوپینگ در همین سالها در چین است. دولت، هم در شمال و هم در جنوب، انگیزه‌های مالی را برای دهقانان و کارگران ویتنامی افزایش داده است. تصمیم‌گیری خود را از حالت متمرکز خارج ساخته و از سرعت اشتراکی کردن کاسته است. رراعت نیز، که طبق برآورد صندوق بین‌المللی پول حدود ۲۸٪ تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد، از این انگیزه‌ها برخوردار شده است. زارعان در "تعاونیها" (یعنی مزارع اشتراکی) اجازه یافته‌اند که تولیدات خود را، مازاد بر سهمیه‌ای که باید به قیمت ثابت به دولت بفروشند، به بازار آزاد عرضه کنند. کارگران در مازاد سود سهم شده‌اند. قبلاً "کارگران فقط براساس تعداد روزهای کار و بدون توجه به مقدار تولید مزد می‌گرفتند. به گفته مقامهای رسمی، از سه سال پیش، یعنی از زمانی که انگیزه‌ها مطرح شد، بازده زراعی به‌طور متوسط بین ۱۰ تا ۱۵٪ افزایش یافته است. نتیجه کار برخی از تعاونیها بسیار بهتر از این بوده است. یکی از تعاونیها نزدیک هایفونگ، بازده برنج خود را به اندازه یک سوم، و بازده سبزیها را به اندازه یک دوم افزایش داده است.

در مجموع، تولیدات برنج و سایر دانه‌های خوراکی از ۱۴/۴ میلیون تن در سال ۱۹۸۰، به ۱۷ میلیون تن در سال گذشته رسیده است. این مقدار تولید می‌بایست برای هر یک از ۶۰ میلیون ویتنامی به‌طور متوسط ۲۸۵ کیلوگرم غلات را تأمین می‌کرد. اما مقدار زیادی از این تولید به علت نظام توزیع ضعیف کشور از دست می‌رود. تولید سرانه غلات هموز ۱۲٪ از مصرف سالانه ویتنام شمالی‌ها در سالهای بین ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۳ کمتر است. انتظار می‌رود که در سال جاری تولید غله همچنان در حد سال ۱۹۸۲ باشد؛ احتمالاً ویتنام بیش از ۱۵۰۰۰۰ تن برنج وارد خواهد کرد.

در حال حاضر، دولت سعی دارد که انگیزه‌ها را به صنعت نیز تسری دهد. تولید مازاد بر سهمیه را می‌توان به قیمت‌های بازار آزاد فروخت. دستمزد با مقدار تولید، و نه ساعات کار، در ارتباط خواهد شد. تولید ناخالص داخلی، پس‌انداز کاهش در سال ۱۹۸۰، معادل سالی سبزی از ۵٪ افزایش یافته است.



شرکتهایی که مدیریت آنها را افرادی بومی به عهده دارند، در سال ۱۹۸۳ معادل ۶۸٪ از تولیدات صنعتی را تولید کرده‌اند (در مقایسه با ۵۴٪ در سال ۱۹۷۸).

در سال گذشته، نیمی از کالاهای تولید شده در کشور، به وسیله کسبه بخش خصوصی به صورت خرده‌فروشی عرضه می‌شد (در مقایسه با یک پنجم تولید در سال ۱۹۸۰). احتمالاً "در ویتنام، نسبت به هر کشور دیگری که عضو کومکن\* است، سهم بزرگتری از کالاها و خدمات به وسیله بخش خصوصی تولید می‌شود.

رشد، به دولت در موازنه دفاتر خود کمک کرده است. بنا به گزارش صندوق بین‌المللی پول، کسر بودجه ویتنام از ۱۹٪ تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۸۲، به ۱۱٪ در سال گذشته کاهش یافته است. این کاهش تا حدودی مدیون صرفه‌جویی در مقدار کمکهای مالی و هزینه‌های آموزش، و ۵۵٪ افزایش درآمدهای مالیاتی از کسب و کار خصوصی است. اکنون، دولت در نظر دارد که اوراق قرضه‌ای به ارزش ۳ میلیون دنگ (معادل ۲۶۷ میلیون دلار، با نرخ رسمی ارز) بفروشد. این اولین بار است که ویتنام کمونیستی اوراق قرضه انتشار می‌دهد. بارده این اوراق ۲٪ بوده و مرتبط با شاخصهاست.

ویتنام به پیشرفتهای بسیار زیادی نیاز دارد. کمبود برق باعث شده است که صنعت با کمتر از نصف ظرفیت کار کند. نبود ارز خارجی همچنان کار کشور را مختل کرده است و ماشین‌آلات کارخانه‌ها غالباً بسیار قدیمی و فاقد ابزار بدکی خارجی است.

سال گذشته، محافظه‌کاران، مالیاتهای کفوری بر سود تجارخانه‌های خصوصی وضع کردند. بسیاری از کسب و کارهای کوچک، شامل غالب رستورانهای خصوصی در هانوی و شهرهوشی من (سایگون) ورشکسته شد. و حدود ۲۵ شرکت تجاری بین‌المللی که در برابر جنوب ایجاد شده، و برای بدست گرفتن بازار صادرات باهم رقابت می‌کردند، بسته شدند. در حال حاضر، یک شرکت دولتی به نام ایمکس کو (IMEXCO) صادرکننده، منحصر به فرد است.

برای ادامه بهبود اقتصادی، موفقیت بزرگتری در بازارهای صادرات لازم است. تاکنون، ویتنام در حسابهای جاری خود دارای یک کسری دائمی بوده است. صندوق بین‌المللی پول انتظار دارد که این کسری در سال جاری بار هم اندکی افزایش یابد و به ۹۵۰ میلیون دلار برسد. که ۸۷٪ آن همراه با سایر کشورهای عضو کومکن تحمل خواهد شد. در سال ۱۹۸۲، صادرات ذغال سنگ ۲۸٪ کاهش یافت و به ۵۵۰ هزار تن رسید. این صادرات در سال گذشته نیز ۲۸٪ کاهش یافت. در سال ۱۹۸۳، صادرات میکو نیز، پس از آنکه مجدداً متمرکز شد، کاهش یافت. با ۱۶ میلیون دلار ذخایر خارجی (که برای تأمین بودجه واردات دو هفته هم کفایت نمی‌کند) و ۶ میلیارد دلار وام خارجی در پایان سال گذشته، ویتنام فقط می‌تواند از عهده کسری موازنه پرداختهای خود برآید. در صورتی که اصل و فرع وامهایی را که به پول معتبر است، پرداخت نکند. در پایان سال ۱۹۸۳، اقساط عقب افتاده ۱/۵ میلیارد دلار کل وامهای ویتنام از کشورهای غربی بالغ بر ۴۲۸ میلیون دلار بود. ویتنام برای تجدید نظر در مورد بازپرداخت وامهای خود، با خیلی

\* Council for Mutual Economic Assistance, COMECON.

از کشورها، من جمله زاپن، لیبی، و الجزیره، وارد مذاکره شده است. اما، به موجب برآوردهای صندوق بین المللی پول، پرداختهای اصل و فرع وامها به غرب، بین سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۹، تقریباً "دو برابر شده و به سالی ۳۰۰ میلیون دلار خواهد رسید.

این مسئله ویتنام را وادار خواهد کرد که، به کشورهای عضو کومکون نزدیکتر شود. در حال حاضر، ویتنام سالی یک میلیارد دلار کمکهای نظامی و اقتصادی از اتحاد جماهیر شوروی دریافت می کند. انتظار می رود که سرمایه ویژه پرداخت شده از کشورهای اعمار شوروی بین سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۴ معادل ۱۴٪ افزایش یافته و به ۸۳۰ میلیون دلار برسد. کسری حسابهای جاری ویتنام با کشورهای عضو کومکون به وامهای ۳۰ سال با بهره ۲٪ تبدیل شده است که بازپرداخت آن پس از ۱۰ سال آغاز خواهد شد.

در نوامبر سال ۱۹۸۳، ویتنام یک قرارداد درازمدت برای همکاریهای اقتصادی و فنی با شوروی امضاء کرد که به موجب آن، بازرگانی بین دو کشور از سالهای ۱۹۷۹ - ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۱ - ۱۹۸۵ سه برابر خواهد شد.

امیدهایی وجود دارد که صادرات جدید، ارزش خارجی بیشتری ایجاد کند. در ماه مه سال ۱۹۸۴، در نزدیک دهانه مکونگ نفت کشف شد. شایعه‌هایی پنهانی نیز وجود دارد مبنی بر اینکه ویتنام برای صادرات، تریاک تولید می کند.

با نرخ رسمی ارز، یک دلار آمریکا برابر با ۱۱/۲۴۵ دونگ است، اما دولت برای جذب پولهای معتبر نرخهای خاصی وضع کرده است. کارکنان بنگاههای کمک دهنده برای هر دلار ۱۳ دونگ می گیرند؛ دیپلماتها و کارکنان "کشورهای دوست" برای هر دلار ۱۵ دونگ و ویتنامیهایی که اقوامی در خارج دارند، برای هر دلار ۱۷ دونگ دریافت می کنند. نرخ ارز در بازار سیاه در حدود ۱۷۰ دونگ برای هر دلار آمریکا است.

در زمینه کالا و ارز خارجی، اقتصاد سیاه حکمفرماست. دولت به زحمت می تواند حداقل خوراک، پوشاک و مسکن را برای مردم تأمین کند. کارمندان سطح متوسط و دستیاران فروشگاههای دولتی ماهانه ۲۰۰ دونگ دریافت می کنند که اگر کمکهای غذایی و کمک هزینه مسکن نیز در نظر گرفته شود، تا ماهی ۱۵۰۰ دونگ افزایش می یابد.

اکنون، با نرخ تورم ۵۰٪، خیابانهای هانوی مملو از دوچرخه سوارانی است که از شغلی به دنبال شغل دیگر هستند که بتوانند هزینه یک قالب اضافی صابون یا یک شلوار تور را تأمین کنند.